

# تحلیل تکنیکال چیست؟ آشنایی با این تحلیل مهم در بازار بورس

## مقدمه

برای ورود به دنیای معامله‌گری و خرید و فروش سهام در بازار بورس باید با دو مفهوم مهم به نام‌های تحلیل تکنیکال و تحلیل بنیادی یا همان فاندامنتال آشنا باشید. یادگیری این دو تحلیل به ما کمک خواهد کرد تا به خوبی از وضعیت کنونی بازار و از همه مهمتر آینده‌ای که در انتظار آن است، آگاه شویم. این دو تحلیل هر کدام با دیدگاه خود بازار را مشاهده و ارزیابی می‌کنند. یکی از اولین و مهمترین مواردی که برای ورود به بازار سرمایه لازم است، آشنایی با اصول تحلیل تکنیکال است که دانشی اساسی برای معامله‌گران به شمار می‌رود. برای یادگیری و استفاده درست از این تکنیک ابتدا باید از تاریخچه آن و نظریه‌های مهم در مورد آن، آگاه شویم. در ادامه این مطلب، شما را با زیر و بم این تحلیل مهم آشنا خواهیم کرد.



## تاریخچه تحلیل تکنیکال و نظریه داو

تحلیل فنی یا همان تکنیکال تقریباً از قرن 19 و با نظریه چارلز داو معرفی شد. داو در سال 1851 در شهر استرلینگ آمریکا چشم به جهان گشود و اولین نظریه خود را تحت عنوان شاخص صنعتی داو جونز و وال استریت ژورنال به ثبت رساند. البته، این نظریه‌های به ثبت رسیده تنها در یک روز بیان نشده‌اند و طی سال‌ها با جمع‌آوری گفتارها و دیدگاه‌های او در خصوص رفتار و روند بازار شکل گرفته‌اند.

نظریه داو با این جمله معروف از او که می‌گوید "تنها چیزی که باید تحلیل شود، قیمت است چراکه پیش از این تمام عوامل عرضه و تقاضا اثرات خود را بر روی قیمت گذاشته‌اند" آغاز می‌شود. این بدان معناست که بازار از دو روند صعودی و نزولی تبعیت می‌کند؛ به گونه‌ای که با دیدن روند صعودی بازار نباید دلخوش شد و طبیعتاً سیر نزولی آن نیز در راه خواهد بود. داو همچون نیوتن معتقد است که هر عملی دارای عکس‌العملی است و این مسئله در خصوص بازار سهام نیز صدق می‌کند.



## تعریف تحلیل تکنیکال

طبق نظرات علمی بویژه نظرات چالز داو برای تحلیل [بازار](#) نیازی به تحقیقات پیچیده و جزو به جزو نیست، بلکه همه چیز در شاخص‌ها نهفته است؛ به گونه‌ای که بازار دارای سه روند صعودی، نزولی و ثابت است که تمام اطلاعات مورد نیاز در این سه مولفه وجود دارند. هر یک از این سه روند توضیحاتی در خصوص بازار ارائه می‌دهند که به سرمایه‌گذار کمک خواهد کرد. در علم اقتصاد چند نوع تحلیل تکنیکال داریم که مهمترین آن‌ها شامل روش فیبوناچی، روش کندل استیک یا نمودار شمعی ژاپنی، روش نقطه‌ای، روش تحلیل زمانی و غیره می‌شود.

به طور کلی تحلیل فنی روشی برای پیش‌بینی قیمت‌های آتی با بررسی وضعیت کنونی و گذشته بازار است؛ به گونه‌ای که با بررسی تغییرات، نوسانات بازار و قیمت، میزان عرضه و تقاضا و حجم معاملات انجام شده می‌توان آینده بازار و وضعیت قیمت‌های پیش‌رو را پیش‌بینی کرد. در این تحلیل ما تنها با نمودار قیمت‌ها سروکار خواهیم داشت. به این معنی که قیمت‌های کنونی را با قیمت‌ها گذشته مقایسه کرده و برآیند آن‌ها را به عنوان یک ابزار کلیدی برای سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیریم. به این معنی که اگر میانگین قیمت‌ها مثبت بود به آینده بازار خوش‌بین می‌شویم و اگر میانگین منفی بود برای سرمایه‌گذاری عجله نمی‌کنیم.

## دلیل یادگیری تحلیل فنی یا تکنیکال چیست؟

طبیعتاً قبل از ورود به بازار سهام و خرید و فروش باید از شرایط بازار و جو روانی موجود اطلاعات کسب کنیم. بسیاری از افراد با خود می‌گویند که چگونه تحلیل تکنیکال یاد بگیریم؟ این کار تنها با یکبار مطالعه و سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست، بلکه باید مفاهیم را از پایه آموخت و مطابق با آن عمل کرد. بسیاری از خود این سوال را می‌پرسند که آیا تحلیل تکنیکال جواب می‌دهد؟ در پاسخ باید بگوییم که بستگی به نوع بازار و جو حاکم بر آن دارد. یادگیری تحلیل فنی به چند دلیل مهم است که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.



### انعطاف‌پذیری و سازگاری با انواع معاملات

به طور کلی تحلیل فنی قابلیت سازگار شدن با انواع معاملات را دارد؛ به گونه‌ای که کمتر بازاری را می‌توان یافت که تحلیل فنی در آن کارساز نباشد. بسیاری از سرمایه‌گذاران، چه آن‌هایی که تازه‌کارند و چه آن‌هایی که باتجربه هستند، با مشاهده چارت قیمت‌ها می‌توانند شرایط بازار را بسنجند؛ حال تصور کنید که از اصول تحلیل فنی نیز آگاه باشند. این امر موجب می‌شود تا هرگاه که نیاز باشد، قیمت‌ها را بررسی و با تحلیل آن وضعیت گذشته، کنونی و آینده بازار را پیش‌بینی کنیم. البته، این بدان معنا نیست که پیش‌بینی ما دقیق از آب دربیاید. پس نباید هیچگاه به پیش‌بینی‌ها مطمئن بود.

### بکارگیری در بازه‌های زمانی مختلف

بسیاری از افراد هنگام تحلیل تکنیکال در بورس و سایر بازارها به زمان معامله و وضعیت قیمت‌ها توجه می‌کنند. این موضوع به خوبی بیانگر این است که تحلیل فنی در هر بازه زمانی امکان‌پذیر بوده و تنها کافیست نمودار قیمت‌ها را نگاه کرد. در واقع تحلیل فنی معطوف به یک زمان خاص نبوده و معامله‌گر می‌تواند در هر زمان به تحلیل بازار بپردازد.

## برقراری ارتباط بین حجم معاملات و تغییرات قیمت

یکی از مزایای تحلیل فنی برقراری ارتباط بین حجم معاملات و تغییرات قیمت است؛ به گونه‌ای که معامله‌گر با تحلیل فنی قادر است با بررسی نمودار قیمت و میزان معاملات روزانه از محدوده حمایتی بازار مطلع شود. با این تحلیل مشخص خواهد شد که چه مقدار احتمال حمایت نموداری در سهم وجود دارد؛ البته، این امر با بررسی میزان ورود نقدینگی به سهم نیز قابل تعیین است. به طور مثال، فرض کنید میانگین معاملات روزانه سهمی معادل با 800 هزار سهم است؛ در حالی که حجم معاملات سهمی هنگام قرار گرفتن در محدوده حمایتی به 400 هزار سهم کاهش می‌یابد.



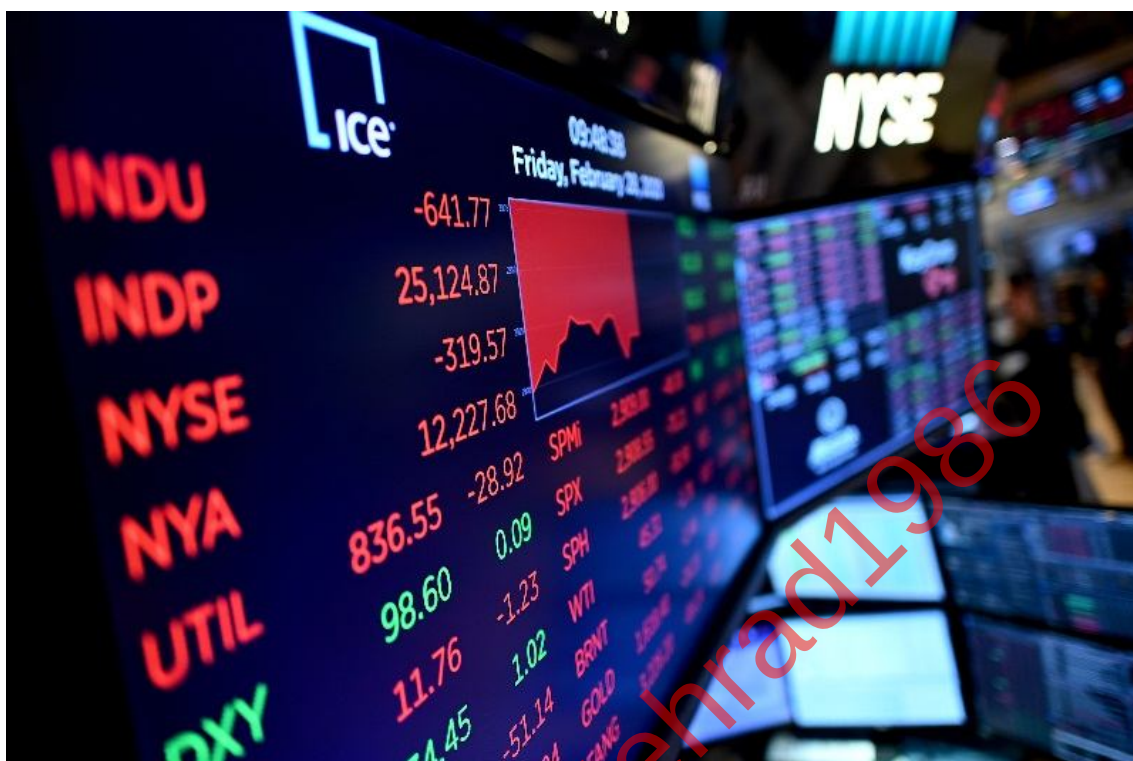
این همان جایست که تحلیل تکنیکال وارد میدان شده و مشخص می‌کند که زمان مناسبی برای سرمایه‌گذاری نیست؛ چراکه هیچگاه فشار خرید هنگام قرار گرفتن در محدوده حمایتی کاهش نمی‌یابد؛ به گونه‌ای که یا باید بیش از میانگین حجم معاملاتی روزانه و یا حداقل برابر با آن باشد.

## تفاوت اصلی میان تحلیل تکنیکال و تحلیل بنیادی

این دو تحلیل اصلی‌ترین روش‌های معاملاتی در بازار هستند. این دو روش تحلیلی به معامله‌گران کمک می‌کنند تا بهترین فرصت را برای سرمایه‌گذاری انتخاب کنند. تحلیل فنی و بنیادی هر یک طرفداران خاص خود را داشته و نمی‌توان به صراحت گفت که کدام روش بهتر است؛ چراکه هر کدام از آن‌ها ویژگی‌های خاص خود را داشته و در شرایط مختلف به کار گرفته می‌شوند. همانطور که گفتیم در تحلیل فنی به نمودار قیمت‌ها نگاه می‌شود و با بررسی قیمت‌های گذشته و کنونی و برآیند این دو، قیمت‌ها در آینده پیش‌بینی می‌شوند. البته، این پیش‌بینی هرگز دقیق نبوده و حتی ممکن است نتیجه عکس بدهد. بنابراین، در این نوع تحلیل تنها به ظاهر بازار و قیمت‌ها و جوی که در آن حاکم است توجه می‌شود.

در مقابل، تحلیل بنیادی یا فاندamental روشی است که در آن ارزش ذاتی سهام ارزیابی می‌شود؛ به گونه‌ای که در این تحلیل به شرایط اقتصاد، شرایط مالی و مدیریتی شرکت‌ها، وضعیت دارندگان سهام، وضعیت درآمد و بدهی‌های شرکت‌ها و غیره توجه می‌شود. در این تحلیل، معامله‌گر باید مقادیر زیادی اطلاعات و صورت‌های مالی را به طور دقیق بررسی کند تا درک درستی از آن‌ها بدست آورد. این امر نیاز به داشتن تخصص دارد و کار را برای تحلیل‌گران بی‌تجربه سخت می‌کند.

یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی در این دو روش تحلیلی انعطاف‌پذیری آن‌ها با بازارهای مختلف است؛ به گونه‌ای که تحلیل‌گران تکنیکال به راحتی می‌توانند با مشاهده نمودار قیمت‌ها هر نوع بازاری را که بخواهند مورد بررسی قرار دهند. اما، یک تحلیل‌گر بنیادی برای تغییر بازار خود ابتدا باید تمام صورت‌های مالی بازار جدید را بررسی و سپس سهام مورد نظر خود را خریداری کند. در نتیجه، تحلیل‌گر بنیادی با سرعت عمل کند خود بسیاری از نوسانات و سودهای بازار را از دست می‌دهد.



## آیا تحلیل تکنیکال به تنهایی کافی است؟

از آنجایی که تحلیل فنی تنها به نمودار قیمت‌ها و شرایط کنونی بازار نگاه می‌کند بدون تحلیل بنیادی و روانشناسی بازار فایده‌ای ندارد. از این رو، باید در کنار تحلیل فنی از مواردی نظیر شرایط اقتصاد، وضعیت درآمد و بدهی‌های شرکت‌ها، شرایط مالی و مدیریتی شرکت‌ها، وضعیت دارندگان سهام و غیره بهره برد. تحلیل‌گران تکنیکال اعتقاد دارند که قیمت‌ها تمام اطلاعات موجود در بازار را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که نیازی به بررسی هیچ چیز دیگری نیست. اما، این امر هرگز درست نبوده و باید در کنار تحلیل فنی به سایر مسائل بنیادی که به آن اشاره کردیم توجه شود.

برای موفقیت در بازار سرمایه و بورس توصیه می‌شود مطالعات خود را در این زمینه افزایش داده تا به یک

تحلیل‌گر موفق تبدیل شوید. برخی از کتاب‌های معروف و مفید برای مطالعه شامل [Technical Analysis of](#)

[the Financial Markets](#)، [Charting and Technical Analysis](#)، [Technical Analysis of Stock Trends](#) و

چند کتاب هستند که در سایت آمازون قابل خرید هستند.